

ریشه‌های تفکر داعش (۵) تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلالات

ریشه‌های تفکر داعش (۵) تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلالات

اشکالاتی که مقدسی در مورد درگیری موجود در عراق ابراز داشت، نهایتاً منجر به جدایی میان او و شاگردش زرقاوی شد تا جایی که زرقاوی، تلمذ خود نزد مقدسی را انکار می‌کند

خط مشی فکری سازمان (ادامه)

۴- اختلاف در عمل و برخی از مسائل شرعی

ابومحمد مقدسی (عصام محمد طاهر محمد العتیبی برقاوی، فلسطینی الاصل و زندانی اردن) نامه‌ای با عنوان (نصیحت و رک‌گویی) نوشت و در آن اشکالاتی که بر روش ابومصعب زرقاوی داشت را بیان کرد، که مؤسس دیدگاه سازمان در تعامل با فرقه‌های اسلامی مخالف با آنان، چه شیعه و چه سنی، به شمار می‌رود.

ابومحمد در این نامه برخی از امور مخالف با راه و روش سلف را بر اساس انتخاب‌ها و کارهای زرقاوی بیان کرده است. این اشکالات را در ضمن نکات زیر می‌آوریم:

۱- افزایش کشتار از طریق قرار دادن مین و بمب در راه‌ها و اماکن عمومی و پرتاب خمپاره به سمت خیابان‌ها و بازارها و اجتماعاتی که مسلمانان عامی به آن رفت و آمد می‌کنند، زیرا زرقاوی شیوه سابق را در پیش گرفته است و طی فایلی صوتی آن را صریحاً ابراز داشت.

۲- استفاده از وسائل نامشروع مانند ربودن و کشتن مسلمانان به بهانه‌ها و دلایل غیرمجاز مانند کارکردن نزد کفار، عدم معامله با مجاهدین و برپایی تظاهرات علیه آنان.

۳- به‌کارگیری عملیات انتحاری و وارد کردن آن در ضمن ابزار جنگی حتی در شرایط عادی با اینکه پناه‌بردن به این شیوه تنها به هنگام ضرورت و با شروطی معین جایز است.

۴- حرکت دادن فعالیت‌های جنگی به یک طرف خاص، یعنی علیه نیروهای اجنبی و ترک دخالت در درگیری‌های قومی و مذهبی و پراکندن قتل و کشتار در میان مردم عامی.

۵- انتخاب گفتمانی رسانه‌ای، واقعی و به دور از دشنام و تهدیدات پوچ مانند تهدید کشورهای غربی چه اینکه این امر موجب افزایش تنفر از مسلمانان خواهد شد.

۶- انتخاب رهبری عراقی و مطلع از امور لازمی که عراق به آن نیازمند است.

این اشکالاتی که مقدسی در مورد درگیری موجود در عراق ابراز داشت، نهایتاً منجر به جدایی میان او و شاگردش زرقاوی شد تا جایی که زرقاوی، تلمذ خود نزد مقدسی را انکار می‌کند و راهی برای تشکیل دیدگاه خاص خود برگزیده که با اعلام جنگ علیه شیعه (که زرقاوی، نام رافضی بر آنها نهاده است)، عملیات انتحاری و حمله به مسلمانان در تجمع‌های مختلفشان آغاز شد و تا سال ۲۰۰۶ که به دست نیروهای عراق کشته شد، ادامه داشت تا کسانی که بعد از او می‌آیند، این جریان ظرفیتش را به عنوان اندیشه‌ای که این سازمان برمی‌گزیند، کامل کنند زیرا خواننده، هجوم تند بر اساس فرقه‌گرایی، محکومیت شیعه و نصیریه را در اغلب سخنرانی‌های آنان مشاهده خواهد کرد. و اگر به موضع شرع مقابل عملیات انتحاری رجوع کنیم، می‌بینیم که شرع آن را تحریم کرده و فقها چه سلفی و چه شیعه به طور یکسان، به حرمت آن فتوا داده‌اند. در استفتائی که برای ابن باز ارسال شده، آمده است:

حکم کسی که به خود بمب وصل می‌کند تا با آن گروهی از یهودیان را بکشد، چیست؟
جواب: آنچه من می‌دانم و بارها گوشزد کرده‌ام، این است که این اقدام درست نیست زیرا این
کار، قتل نفس است و خداوند می‌فرماید: (خودکشی نکنید) و پیغمبر می‌فرماید: هر کس خود
را با شیئی بکشد، در روز قیامت با همان شیء عذاب می‌شود. او برای هدایت آنان تلاش
می‌کند و هر گاه جهاد آغاز شد، همراه با مسلمانان بجنگد و اگر کشته شد که الحمد لله، اما
اینکه او خودکشی کند و بمب در خود جاسازی کند تا با آنها کشته شود، این اشتباه است و
جایز نیست. الفتاوی الشرعیه: 166.

و در سوالی که به شیخ محمد ناصرالدین آلبنی ارسال شده «آیا عملیات شهادت طلبانه یا
انتحاری جایز است یا نه؟ شیخ گفت: نه، جایز نیست». سلسله الهدی و النور 678.
شیخ محمد بن صالح عثیمین در شرحش بر کتاب ریاض الصالحین: 165، در شرح خود بر حدیث
پسر و ساحر گفته است:

«انتحار و خودکشی که برخی از مردم انجام می‌دهند به گونه‌ای که مواد منفجره را با خود حمل
کرده و آن را به طرف کفار می‌برد و وقتی که بین آنها است، آن را منفجر می‌کند، این کار جزء
قتل نفس به شمار می‌رود و پناه بر خدا که هر کس، نفسی را بکشد در آتش جهنم تا ابد
جاودان خواهد بود»

و سوال زیر به شیخ عبدالعزیز آل الشیخ ارسال شده:
هر گاه برخی از کشورهای اسلامی در معرض جنگ و یا اشغال دیگر کشورها قرار گیرند،
می‌شود که برخی از افراد این کشورهای اسلامی، معتمدانه با عملیات انتحاری به افراد آن
کشور متجاوز حمله می‌کنند؟

وی پاسخ داده :

این روش، صورت شرعی ندارد و من آن را جزء جهاد در راه خدا نمی‌دانم و می‌ترسم که این
روش جزء قتل نفس باشد. الفتاوی الشرعیه : 169 .

اما آنچه از پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - روایت شد همچنانکه در روایت صعب بن جثامه
آمده است که «گفتم: ای پیامبر خدا آیا شبانه، ذریه و فرزندان مشرکان را مورد هدف قرار دهیم
و بکشیم؟ ایشان فرمودند: آنها (فرزندان کفار) از آنها (مشرکین) هستند.» صحیح مسلم ج 5 /
ص 177.

جواب این سوال : این حدیث منسوخ است زیرا ابن داود روایت کرده است : «زهري گفت :
سپس رسول خدا از قتل زنان و کودکان نهی کرد.» کتاب نیل الاوطار، بخش جهاد و سیر / باب
جواز دغلكارى عليه كفار.

به علاوه این که هر حدیث بر قرآن عرضه می‌شود، اگر مخالف قرآن بود، بر آن اعتنایی نیست و
قرآن تصریح دارد که کودکان مورد محاسبه و مواخذه قرار نمی‌گیرند. خداوند فرمود: خداست که
شما را ناتوان بیافرید، و پس از ناتوانی نیرومند ساخت، آنگاه پس از نیرومندی ناتوانی و پیری
آورد و گفت : کسانی که فرزندان‌شان را از سر حماقت و بدون علم کشته شدند، زیانکارند.
(انعام 140) که در مقام سرزنش اعرابی است که کودکان خود را از ترس فقر می‌کشند.
و عالمان جمله «أنهم منهم» را به معنای ضرورت و اضطرار تفسیر کرده‌اند. ابن حجری در کتاب
فتح الباری گفته است:

«سخن او: هم منهم: یعنی در حکم آن حالت است و مراد، مباح بودن قتل آنان از راه قصد به
انان نیست بلکه مراد آن است که هر گاه دستیابی به پدران جز با لگدمال کردن فرزندان ممکن
نباشد پس اگر بخاطر اختلاط با آنان آسیب دیدند، قتل آنها جایز است.»

شارحین حدیث آن را به حالت خاص و معینی تفسیر کرده‌اند و آن برپایی جنگ با کافرین و ناچار شدن به قتل کودکان و زنان در جنگ یا بخاطر اینکه آنها (کودکان و زنان) با آنان (کفار) هستند یا اینکه به مسلمانان حمله کنند و در غیر این حالت، اجازه قتل و ریختن خون آنان را جایز نمی‌دانند.

اما قتل زنان و کودکان در فقه اهل بیت در هیچ حالتی جایز نیست، زیرا دین به عنوان رحمتی برای جهانیان و به منظور هدایت ملت‌ها آمده است نه برای قتل و جنگ و مشاهده کردیم که چگونه پیغمبر وقتی که اسامه بن زید، محاربی را کشت، همان محاربی که چون فهمید مسلمانان به او رسیده‌اند، شهادتین گفت، اما با این حال پیغمبر از کار اسامه خشمگین شد و از او برائت جست زیرا هدف رسالت، نشر صلح و سلام و محبت میان طوایف و ملل مختلف است. خداوند فرموده است: لا إكراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی (هیچ اجباری در دین نیست و هدایت از ضلالت مشخص شده) بقره/256.